

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: فرهنگ و تمدن ایران از مغول تا صفویه

نام نام خانوادگی: سید حامد خادمی

نام استاد: رضایی

ایران از مغول تا صفویه

مقدمه

از حمله مغول به ایران در سال 616 ق تا قدرتگیری صفویه در 907ق را عصر مغول - تیموری

مینامند. در این درس با مهمترین تولد دوران مذکور در قالب سه دوره

الف) هجوم و فرمانروایی مغولان

ب) هجوم و فرمانروایی تیموریان

ج) فرمانروایی ترکمانان، آشنا میشوید

الف) دوره هجوم و فرمانروایی مغول

۱- از قدرت گیری چنگیز تا هجوم مغول به

ایران: مغولان، گروهی از طوایف زردپوست بودن
سرزمین مغولستان زندگی میکردند. مغولستان، طبیعت و
اقلیم نامساعدی داشت و بدین سبب، ساکنان خانه به دوش آن
ناچار بودند که برای بر خورداری از حداقل امکانات موجود،
با یکدیگر در ستیز دائمی باشند. بنابراین، مغولان مردمی
سختکوش، جسور و خشن بودند که به جنگ و غارت به

عنوان شیوهای مناسب برای تأمین معاش خود مینگریستند

در مغولستان شهر و شهرنشینی رواج و رونق
نداشت و از مشاغل و حرفه های مختلف خبری نبود

چنگیزخان مغول ساکنان آنجا از خط، ادبیات، هنر و دیگر دستاوردهای

فرهنگی بهره زیادی نداشتند. مغولان پیرو عقایدی

ابتدایی موسوم به آیین شمنی بودند. قبایل مغول پراکنده بودند و هر قبیله به طور مستقل زیر نظر خان قبیله اداره میشد و میان آنها اتحادی وجود نداشت. این قبایل مدام

با یکدیگر در حال ستیز و درگیری بودند و فرمانروایان چینی نیز به اختلافات آنها دامن میزدند. چنین شرایطی تا زمان قدرت گیری چنگیز ۲ ادامه داشت.



امپراتوری مغولان در اوج گسترش

حیضوت کی

یاسای چنگیزی

چنگیز، برای نخستین بار سنتهای حقوقی قبایل تابع خود را با برخی از قواعد ملل متمدن روزگار خویش ترکیب کرد و یک مجموعه قانونی به وجود آورد که به «یاسا» معروف شد.

چنگیز سرکرده یکی از طوایف بود که به سرعت راه ترقی را پیمود و به رهبری قبایل مغول رسید. او ابتدا میان قبایل ساکن مغولستان اتحاد سیاسی برقرار کرد و سپاه منظم و توانمندی تشکیل داد. همچنین در زمینهای سیاسی، نظامی و حقوقی اصلاحاتی انجام داد. چنگیز سپس با هدف ایجاد گشایش در زندگی سیاسی و اقتصادی مغولان، گام در مرحله جهان گشایی نهاد و یک دوره هجوم را شروع کرد که آوازه مغول را جهانی نمود.

1 - آیین شمنی نوعی یگانه پرستی ابتدایی بود که در آن ایزدان گوناگونی در نگاهداری و نظم کائنات با خدای یکتا سپیم میشدند و بنهای مختلفی به عنوان مظاهر این ایزدان

مورد پرستش و ستایش قرار می گرفتند.

2 - نام اصلی چنگیز «توجین» به معنای آهنگر بود که بعد از به قدرت رسیدن، عنوان «چنگیز» به معنای «لور، جهانگیر و...» به خود گرفت. وی پسر خان قبیله خویش بود

که پس از مرگ پدر، دوره ای از آوارگی و فلکت را پشت سر نهاد، اما به سبب شخصیت قوی و سختکوشی فراوان موفق به قدرت گیری شد.

نخستین هدف مغولان، سرزمین شمال چین بود. این سرزمین در مجاورت قلمرو مغولان قرار داشت و از ثروت و امکانات خوبی برخوردار بود. فتح شمال چین با قتل و غارت وحشتناکی همراه بود اما برای مغولان دستاورد زیادی داشت؛ چرا که علاوه بر کسب ثروت و غنائم بسیار، از دستاوردهای چینیان در امور تمدنی و فرهنگی بهره مند شدند و مهندسان و متخصصان چینی را در امور نظامی و تجهیز ارتش به خدمت گرفتند. سپاهیان چنگیز پس از فتح شمال چین، مناطق غربی مغولستان و از جمله ترکستان و قلمرو قراختایین را نیز فتح کردند. در نتیجه این موفقیت نظامی قبایل



حمله مغولان به یکی از شهرهای چین، این نقاشی در قرن دهم هجری کشیده شده است.

متعددی از ترکان تابعیت و اطاعت چنگیز را پذیرفتند. مغولان با این فتوحات بر بخشی از جاده ابریشم مسلط شدند و تصمیم گرفتند از طریق آن جاده، منافع اقتصادی سرشاری از تجارت کسب کنند.

- از هجوم مغول تا قدرت گیری ایلخانان: در 2

شرایطی که مغولان با ایران همسایه شده بودند، اقدام حکومت خوارزمشاهی در کشتن بازرگان مغول در شهر اترار، بهانه لازم را به چنگیز خان، برای حمله به ایران داد. این هجوم که از سال 616 تا سال 622 ق به طول انجامید، یکی از تلخترین و هولناکترین رویدادهای تاریخی سرزمین ما به شمار میآید. در نتیجه این تهاجم سهمگین، بیشتر شهرها و روستاهای بزرگ و

پرجمعیت ماوراءالنهر و خراسان ویران و ساکنان آنها کشته، اسیر و آواره شدند.

کاهش محسوس جمعیت، تخریب شبکههای آبیاری و مزارع کشاورزی و نابودی کارگاههای تولیدی و اماکن مسکونی، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی موج نخست هجوم مغولان به ایران بود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا پژوهشگران تاریخ، کشتار بازرگانان مغول توسط خوارزمشاه را بهانه تهاجم چنگیز به ایران می‌شمارند و نه علت واقعی آن؟

پس از بازگشت چنگیز خان به مغولستان و مرگ او (624 ق)، از شدت حمله مغولان به ایران کاسته شد. البته گروهی از سپاهیان او در تعقیب جلالالدین خوارزمشاه، همچنان در حال تاخت و تاز بودند. اوگتای، پسر و جانشین او سیاست ملیتری نسبت

به ساکنان قلمرو متصرفی در پیش گرفت. جانشینان

چنگیز عنوان «قا آن ۱» داشتند. آن قلمرو خود از جمله

قسمتهایی از ایران را که تسخیر کرده بودند به وسیله

نمایندگان اعزامی مغول اداره میکردند. این نمایندگان

وظیفه گسترش فتوحات، سرکوب شورشها، گردآوری

مالیاتها و تثبیت حاکمیت مغول را بر عهده داشتند.

مسئله مهم این دوره، پیوستن دیوانسالاران باتجربه

ایرانی به مغولان بود. آنان تمام تلاش خود برای مهار

خشونت و رفتار غیرمندی مغولان به کار بستند.

- از تشکیل حکومت ایلخانی تا هجوم تیمور3

حکومت ایلخانی 2 یا ایلخانان به سلسله ای اطلاق میشود

که پس از اعزام هلوکوخان به ایران تشکیل شد. هلوکو

نوه چنگیز بود و در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن

به ایران اعزام شد. وی مأموریت داشت، فتوحات

مغول را در جهان اسلم تکمیل کند. هلوکو، نخست

قلعههای اسماعیلیان را تسخیر و به قدرت آنان پایان داد

(ق)؛ وی سپس بغداد را گرفت و خلفت عباسی (654)

را برانداخت (656 ق). سقوط خلفت عباسی سرآغازی

بر تأسیس حکومت ایلخانان بود. او پس از انتظام امور

سرزمینهای متصرفی، به شام لشکرکشی کرد و تادمشق

پیش رفت. در حالی که هلوکوخان با شنیدن خبر مرگ

برادرش راهی مغولستان شده بود، سپاه مغول در نبرد

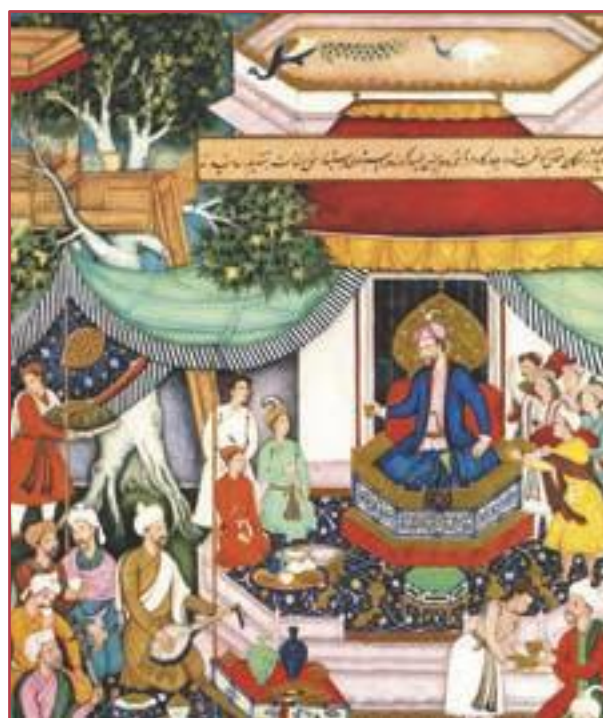
عین جالوت 3 از سپاه مملوکان 4 مصر به سختی شکست

خورد. مغولان هرگز نتوانستند این شکست را جبران و

فتوحات خود را در این بخش از سرزمینهای اسلامی

تکمیل کنند. تلاشهای سیاسی بعدی آنها برای اتحاد با

مسیحیان علیه مملوکان نیز موفقیتآمیز نبود.



مجلس جشن به افتخار تعیین هلوکو برای مأموریت ایران منگوقاآن بر تخت نشسته و هلوکو در سمت راست او قرار دارد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا خشونت و ویرانگری مغولان

تحت فرمان هلوکوخان، کمتر از مغولان تحت

فرمان چنگیزخان بود؟

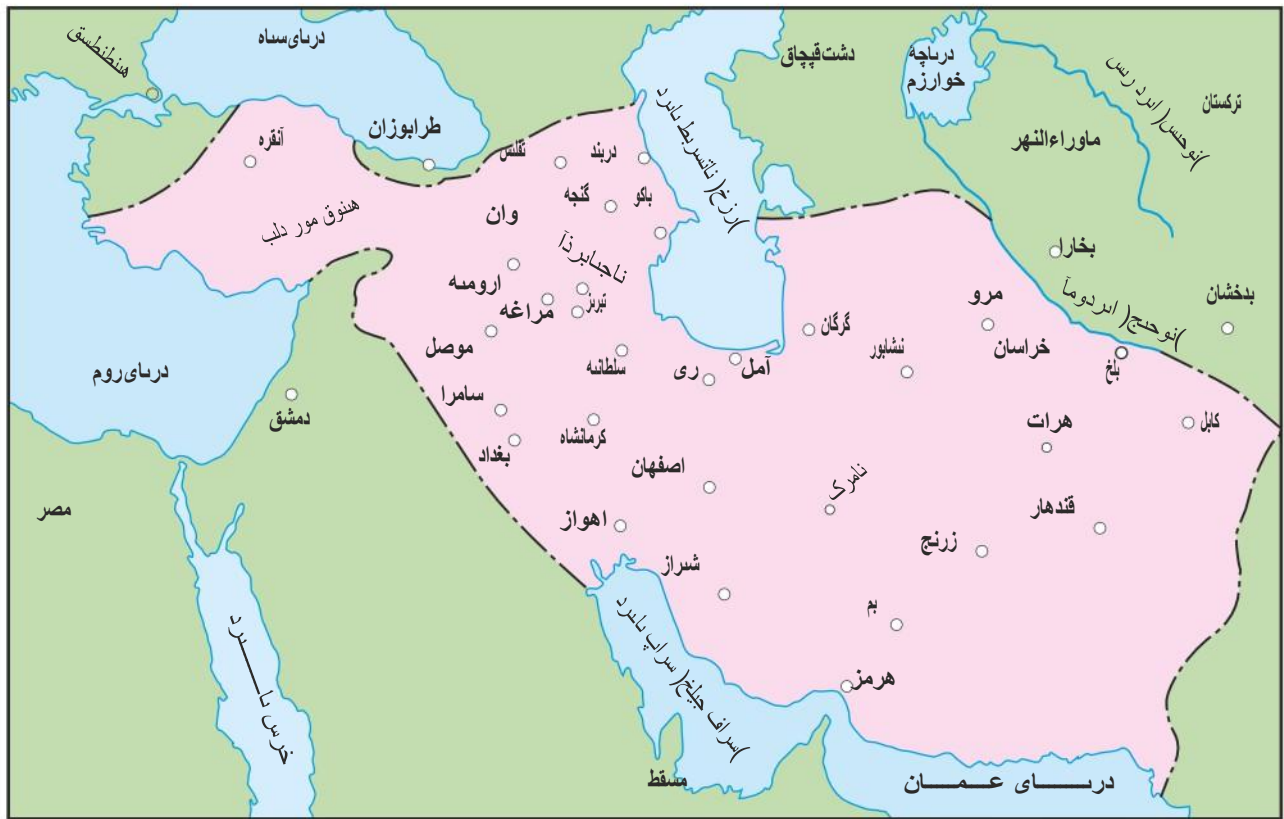
1

- قا آن به معنای خان بزرگ است. این عنوان برای افرادی از خاندان چنگیز که در مرکز امپراتوری ریاست کل امپراتوری مغول را داشتند به کار میرفت.

2- ایلخان به معنای خان تابع است؛ از آنجایی که هلوکو و جانشینانش از خان بزرگ مغول در مغولستان تبعیت میکردند به این نام خوانده شدند.

3- نام آبادی در فلسطین اشغالی و در شمال شهر بیتالمقدس

4- سلسلهای که در حذفاض سال های 648 تا 923 ق بر مصر و شام حکومت کرد. از آنجا که باتیان این حکومت، خاستگاه علمی داشتند به مملوکان شهرت یافتند



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان

دوران حکومت ایلخانان را میتوان به دو دوره: **عهد نامسلمانی ۱ (۶۵۴-۶۹۴ ق)** و **عهد مسلمانی (۷۳۶-۶۹۴ ق)** (ایلخانان تقسیم کرد. در عهد نامسلمانی) بزرگان ایرانی چه عالمان و چه دیوانیان، ایلخانان، مسئولیت مهمی را بر عهده گرفتند. آنها تلاش کردند که ایلخانان و امرای مغول را با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا کنند و قواعد و رموز زندگی یکجانشینی و رسوم کشورداری را به آنان بیاموزند. در این دوران، عالمانی چون خواجه نصیرالدین توسی و دیوانسالرانی مانند شمسالدین محمد جوینی و برادرش عطاملک جوینی در جهت انتظام امور، رونق فعالیت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی و آرامش و آسایش مردم گام برداشتند و سعی

میکردند مانع خودسری امرای مغول و زیادخواهی مأموران مالیاتی شوند. در نتیجه تلاش آنان، ایلخانان و بزرگان مغول مسلمان شدند، شریعت اسلامی بر یاسای چنگیزی برتری یافت و شرایط برای بازسازی و اصلاح امور ایران فراهم آمد.

غازان، اولین ایلخان مسلمانی بود که اسلام را دین رسمی اعلام کرد. او با خارج شدن از تابعیت خان بزرگ مغول، استقلال حکومت ایلخانی را تکمیل کرد. غازان به راهنمایی و مشاورت بزرگان ایرانی و به خصوص وزیر بزرگ خویش خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی اصلاحاتی را در زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی آغاز کرد. هدف این اصلاحات در عرصه سیاسی، یکپارچگی

۱ - البته در میان ایلخان عهد نامسلمانی، تکرادار (سلطان احمد) پسر هلوکو خان، سومین ایلخان که از ۶۸۰ تا ۶۸۳ ق حکومت کرد و به جرم تخطی از یاسا برکنار و اعدام شد، یک استثنا ۱

بود، زیرا او به دین اسلام گروید.

بخش برنامه اصلحات غازان خان، ساماندهی و انتظام امور مالیاتی بود. همچنین در زمینه کشاورزی، اقدامات اصلی مانند بازسازی شبکه‌های آبیاری انجام گرفت.

و تمرکز امور کشوری و لشکری و مقابله با سرکشی سرداران مغول بود. در عرصه نظامی به منظور جلوگیری از بینظمی و چپاولگری نظامیان، زمینهایی به فرماندهان واگذار و برای سربازان مقرری تعیین شد. مهمترین



غازانخان در حال تلاوت قرآن

فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی مؤثر بود در تعالی جایگاه مسلمانان در دنیای آن روز نیز تأثیر مناسبی داشت. در این زمان شیعیان فعالتر بودند و افزون بر تلاش فکری و فرهنگی، در عرصه سیاسی نیز وارد عمل شدند. نتیجه این فعالیتها در شکلگیری نهضتهای

شیعی و تأسیس حکومت سربداران اندکی پس از زوال حکومت ایلخانان مشاهده میشود.

از دیگر ویژگیهای دینی و اجتماعی این عصر، گسترش تصوف و افزایش نفوذ اجتماعی و معنوی صوفیان در جامعه است. تصوف در عصر ایلخانان

برجستهترین دستاورد حکومت ایلخانی در زمینه سیاسی، وحدت جغرافیایی ایران بود. ایلخانان موفق شدند سرزمینهای پهناوری از جیحون تا فرات و بخش وسیعی از آناتولی را تحت فرمانروایی خود در آوردند. در عهد ایلخانی برای نخستین بار از عهد باستان، روابط مستقیم

سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی برقرار شد. یکی از

ویژگیهای دینی و اجتماعی دوره ایلخانان،

وحدت و هماهنگی بود که میان مسلمانان اعم از شیعه

و سنی برای مقابله فکری و فرهنگی با غیرمسلمانان به

وجود آمد. چنین وحدتی علوه بر اینکه در اثبات برتری



گنبدسلطانیه از شاهکارهای معماری ایران در عصر ایلخانان

به تدریج ماهیت شیعی به خود گرفت و در پیدایش حکومت‌های شیعی که پس از سقوط ایلخانان به وجود

آمدند، نقش مؤثری ایفا کرد

در سال 736 ق با مرگ ایلخان ابوسعید، فرمانروایی

ایلخانان منقرض شد و یک دوره بیثباتی و آشفتگی

سیاسی به وجود آمد که تا زمان هجوم تیمور به ایران ادامه

داشت. در این دوران سرداران مغول، افرادی از خاندان

چنگیز را علم کردند و با یکدیگر به رقابت برخاستند. در

چنین شرایطی، چندین حکومت محلی مانند سربداران،

آل چوپان، آجلیر و آلمظفر در مناطق مختلف ایران به

وجود آمدند.

حیضوت کی

(قیام سربداران در سبزوار) بیهق

در اواخر عهد ایلخانان، سرداران مغولی حاکم بر خراسان ستمگری پیشه کردند و پس از مرگ

آخرین ایلخان مغول ظلم و ستم آنان بر مردم فزونی گرفت

مردم سبزوار که پیرو مذهب شیعه بودند، در آن زمان تحت تأثیر فعالیت برخی مشایخ صوفی مانند

شیخ خلیفه مازندرانی (مقتول : 736 ق) و شاگردش شیخ حسن جوری آماده مقابله با بیعدالتی و ظلم

شدند. چون زیاده خواهی و گستاخی مأموران حکومت از حد گذشت، مردم روستای باشتین سبزوار،

مأموران گستاخ و فاسق را مجازات و با شعار «سربه دار می‌دهیم، تن به ذلت نمی‌دهیم» قیام کردند. آنان

سپس به رهبری نو تن از بزرگان آن دیار، سپاه حاکم خراسان را شکست دادند و با تسلط بر سبزوار،

تأسیس حکومت سربداری را اعلام کردند. سربداران با پیروزی بر حکام محلی، قلمرو خود را به

نیشابور، بسطام، دامغان و سمنان گسترش دادند. حکومت سربداران از بدو تأسیس گرفتار اختلف

و نزاع داخلی شد و به همین دلیل نتوانست از قیام‌های سربداری در دیگر نقاط ایران از جمله کرمان

به خوبی پشتیبانی کند. سربداران مدافع و مروج مذهب شیعه بودند و سرانجام توسط تیمور برافتادند

ب) دوران فرمانروایی تیموریان

۱- عصر هجوم و استیلی تیمور: در اواخر

سده هشتم هجری، کشور ما با یورش دیگری از سمت ماوراءالنهر به سرکردگی تیمور گورکانی مواجه شد. تیمور اصل و نسب مغولی داشت و برخی از مورخان نسب او را به خاندان چنگیز می‌رسانند. او از شرایط نابسامان ماوراءالنهر استفاده کرد و با شکست رقیبان و مدعیان، بر آن دیار تسلط یافت.

تیمور پس از آنکه قدرت خود را در ماوراءالنهر تثبیت کرد، با آگاهی از اوضاع آشفته ایران به فکر فتح میهن ما افتاد. او برای تسخیر کامل ایران سه مرحله یورش آورد. این یورشها که با شدت و خشونت بسیار انجام گرفت، یادآور هجوم وحشتناک چنگیزخان مغول بود. در جریان این هجومها، شهرهای زیادی مانند هرات، سبزوار، اصفهان، تبریز، شیراز و بغداد ویران و هزاران نفر از ساکنان آنها قتل و عام شدند. در نتیجه یورشهای تیمور، حکومتهای محلی ایران منقرض شدند یا به انقیاد او درآمدند. تیمور همچنین کشورها و سرزمینهای همسایه ایران را نیز مورد تهاجم قرار داد و در فکر حمله (به چین بود که از دنیا رفت 807 ق)



مقبره تیمور در سمرقند

حیضوت کی

جهانگشای بزرگ صحراگرد

امیر تیمور به سان طوفانی سهمگین در برهه‌های از تاریخ جهان پدید آمد و با یورشها، ویرانگریها و قتل عامهایش آوازه‌های جهانی یافت. مورخان درباری او را ستوده‌اند و اعمال وی را مظهر قهر الهی شمرده‌اند و مورخان غیردرباری مانند ابن‌عربشاه او را سرآمد تبهکاران دجال صفت خوانده‌اند. یکی از ویژگیهای بارز او نبوغ نظامیاش بود که در شیوه‌های جنگی او آشکار بود. زندگی و تربیت او در صحرا و پیروی از آداب زندگی و نظامی مغول، در موفقیت‌هایش نقش اساسی داشت. وی در تشکیل (نظامی به ایل و تبار خود تکیه می‌کرد) دائرة المعارف بزرگ اسلمی، ج 16، مدخل تیمور گورکانی

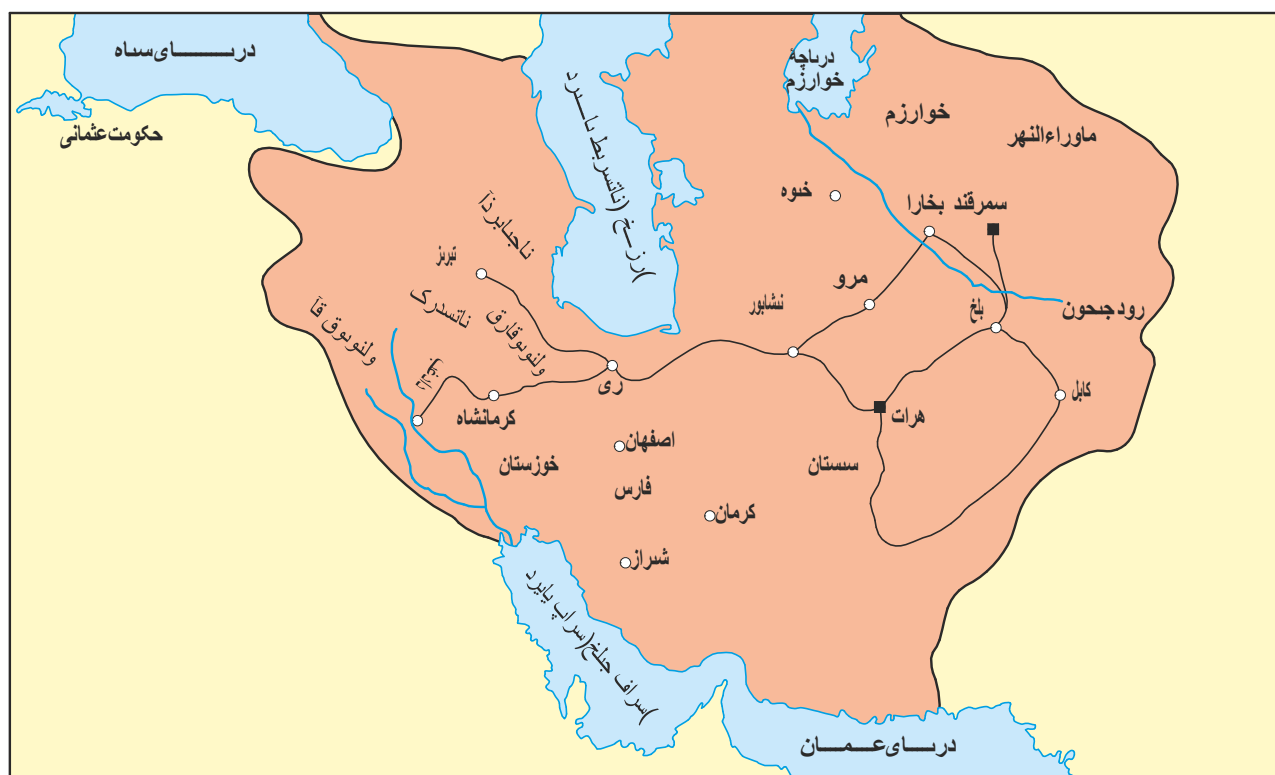
تیمور بیشتر یک جنگجو و فرمانده نظامی بود؛ از اینرو، تلاش چندانی برای انتظام امور مناطق مفتوحه نداشت. علقه او به عمران و آبادی به شهر سمرقند محدود بود. معروف است که: «تیمور جهانی را نابود کرد تا شهری را آباد سازد».

۲ - عهد جانشینان تیمور: **اختلاف و نزاع**

فرزندان و نوادگان تیمور و ظهور قدرتمندان محلی، قلمرو وسیع تیمور را دچار آشفتگی و تجزیه کرد. پس از چند سال خصومت و درگیری میان اعضای خاندان تیموری، سرانجام یکی از پسران تیمور به نام شاهرخ برتری خود را نسبت بر دیگر مدعیان تحمیل کرد و بر بیشتر متصرفات پدر تسلط یافت. او شهر هرات را مرکز

حکومت خود قرار داد. شاهرخ که در محیط فرهنگی و تمدنی ایران پرورش یافته و از تربیتی اسلامی برخوردار بود، سیاست جنگطلبانه پدر را کنار گذاشت و به صلح و آرامش توجه و تمایل بیشتری نشان داد. وی به علم و هنر علقه‌مند بود و از علما، اندیشمندان و ادیبان حمایت میکرد. او به همراه همسرش گوهرشاد خاتون تلاش قابل توجهی برای عمران و آبادی شهرها انجام داد. الغیبیک، پسر و جانشین شاهرخ نیز فرمانروایی دانشدوست بود و علقه خاصی به ریاضیات و نجوم داشت. بایسنقر، دیگر فرزند شاهرخ نیز شیفته هنر و

ادب فارسی بود.



قلمرو تیموریان در زمان شاهرخ

در دوران زمامداری جانشینان شاهرخ، با ظهور پس از دیگری بر بخشهای مرکزی و غربی ایران حکومت مدعیانی چون قراقویونلوها و آققویونلوها، قلمرو تیموریان کردند. تلاش قراقویونلوها برای دستیابی به قدرت از به مناطق شرقی ایران محدود شد. سرانجام در اوایل سده سالهای پایانی زندگی تیمور آغاز شد و در عهد جانشینان دهم هجری صفویان خراسان و ازبکان ماوراءالنهر را او به اوج خود رسید. آنها توانستند جانشینان شاهرخ را تصرف کردند و نوادگان تیمور را به هند راندند تا در آنجا شکست دهند و سلطه خود را بر بسیاری از نواحی ایران به استثنای مناطق شرقی تثبیت کنند. این سلسله به مذهب تشیع گرایش داشت. قراقویونلوها توسط آق قویونلوها از میان رفتند. قدرت روزافزون امپراتوری عثمانی و اصطلاح ترکمان و ترکمانان به دو اتحادیه پیشروی آن به سمت مناطق شرقی آسیای صغیر از یکسو از طوایف و قبایل ترک به نامهای قراقویونلوها^۲ و و قدرتگیری صفویان از سوی دیگر موجبات نابودی آققویونلوها را فراهم آورد. آققویونلوها^۳ اطلاق میشود که در قرن نهم یکی



مسجدگوهر شالمشهد

۱ - به معنای «ترک مانند» و یا «ترک بزرگ»

۲- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم های سیاه

۳- به معنای دارندگان گوسفندان و یا پرچم های سفید

با مطالعه درس، بررسی نقشه‌ها و راهنمایی دبیر خود، جدول زیر را کامل کنید.

آق قویونلوها	قراقویونلوها	تیموریان	آل جلبر (جلبریان)	آل مظفر (مظفریان)	سربداران	ایلخانان	
780-920ق	872-790ق	911-771ق	835-740ق	795-718ق	783-736ق	736-653ق	دوره حکومت
عثمان بیک	قرايوسف	شیخ حسن بزرگ	عبدالرزاق باشتینی	مؤسس
اوزون حسن	جهانشاه	سلطان اویس	شاه شجاع	خواجه علی مؤید	غازان و الجایتو	زامامداران معروف
شمال غرب، غرب، مرکز و جنوب ایران، شرق آسیای صغیر	شمال غرب، غرب و مرکز ایران، عراق	عراق، نواحی غربی و مرکزی ایران	یزد، کرمان، اصفهان و گاه آذربایجان گرگان، قومن سمنان)) مازندران عراق و آسیای صغیر	قلمرو
.....	بغداد سلطانیه	مرکز
رقابت و درگیری با قراقویونلوها، اتحاد و دوستی با تیمور، درگیری با صفویان	درگیری با تیموریان، آل جلبر، آق قویونلوها، گرایش به تشیع نابودی قدرتهای محلّی یا و داشتن آنها به اطاعت	درگیری با آل مظفر، قراقویونلوها و تیمور	درگیری با آل اینجو، آل مظفر و تیمور، برخورد نامناسب با حافظ	قیام علیه زیاده خواهی امرای مغول، اشاعه مذهب تشیع، حمایت از سَمَدیگان	رویدادهای مهم

?